

اقتصاد بیمار است اما حرص کاملاً سالم و قبراقت می‌تازد!

ره نگاران/ حدیثه فلاح کریمی، فعال حوزه رسانه و اطلاع‌رسانی
یادداشتش را با این ضرب‌المثل شروع می‌کند:

“طمعش از کرم مرتضی علی بیشتر است”

این ضرب‌المثل برای کسی به کار می‌رود که طمع بسیاری دارد و هیچ
سقفی از دارندگی و بخشندگی این طمع را جبران نمی‌کند.

شاید این مَثَل کمتر شنیده شده باشد اما با اندکی تامل، می‌بینیم
چه بسا مصداق عینی همین جمله کوتاه بسیار و پر تعداد در اطرافمان
به چشم می‌خورد.

اگر تورم، ناترازی و هزار برنامه کوچک و بزرگ اقتصادی را که در
اجرا دست کم چند جایش می‌لغزد واکاوی کنیم، تنها به تحریم‌های
خارجی و کوتاهی همت برخی مسئولان داخلی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در
ابعادی بزرگتر از حد انتظار حرص و طمع افرادی که اتفاقاً نیازمند
و تنگ دست نیستند را به غایت می‌توان دید که جام آزر را سرکشیدند
و وجدان را قی کردند.

پیدا کردن مورد و سوژه هم چندان سخت نیست، نه نیاز به تفکر
اقتصادی دارد و نه دانش رسانه برای آگاهی از موضوعات روز، زحمتش
ساعتی قدم زدن در کوچه و خیابان‌های همین شهر است.

دیروز که برای خرید با پسرک به یکی از شعبه‌های فروشگاه زنجیره
ای فلان رفته بودیم، قبل از ورود در حال پیاده‌سازی “تکنیک‌های
فرزندپروری و مقابله با زیاده‌خواهی کودک در هنگام خرید” آنهم
حاصل دنبال کردن چند پیچ اینستاگرامی با ژستی معلم گونه؛ متوجه
پیچ چند نفر شدم که کاملاً معلوم بود اعضای یک خانواده اند. پدر
خانواده با ظاهری اتوکشیده با چنان تمرکزی، نفری یک کارت بانکی
به دست دو کودک داد و تاکید بر حفظ کردن رمز کارت داشت که انگار
تلاش برای آموزش رمز گاوصندوق بانک مرکزی دارد.

حواسم پرت صحبت‌های آقا شد که می‌گفت: با فاصله از هم برید انتهای
فروشگاه سمت چپ و یه روغن بزرگ ... (نام برند) که درش قرمز باشه

بردارید و بدون اینکه به هم نگاه کنید یکی بره صندوق سمت راست و اون یکی صندوق بغلی !

حین توجه به آموزش های این بزرگوار نگاهم به خانمی افتاد که از فروشگاه، روغن به دست بیرون آمد و با خنده ای رد و بدل شده به دوکودک مشخص بود مادرشان است.

برای چند لحظه پسر را فراموش کردم و چشمم رفت به دنبال خانم داستان که با غروری وصف نشدنی پشت فرمان خودروی چندمیلیاردیش نشست و با صدایی آهسته به آقا و دو طفل معصوم گفت: جلوتر واستادم تا بیان

ذهنم سریع درگیر محاسبه شد، یعنی چهار روغن برای چهار نفر در یک خانه !

تصور این حجم از حرص و ولع عجیب اما واقعی بود ، به یقین هم پر تکرار ...

با سوالات پشت سرهم و بدون وقفه فرزندم از جزییات مواردی که تا همان چند لحظه قبل درحال آموزشش بودم ، به خود آمدم اما ترجیح دادم بحث را ادامه ندهم چرا خود را در چالشی تربیتی یافتم که قبل از کودکان باید بزرگترها را از منجلاب حرص و هیجانات کاذب خرید نجات داد. امروز به وضوح دریافتم که اقتصاد بیمار است ، اما حرص کاملاً سالم و قباراق می تازد!

" افزایش آگاهی عمومی نسبت به مخاطرات اختلال افکنی در نظام توزیع کوچک مقیاس و تشویق به رفتارهای اقتصادی مسئولانه در بطن خانواده " ! این عنوان را برای یادداشت بعدی خود انتخاب کردم تا شاید با نوشتن آن، اول در خود آتش طمع را قدری فرو نشانم و در نگاهی خوشبینانه شماری از دوستانم را با خواندنش به تعادل در خرید دعوت کنم.

باشد که رستگار شوم...

انتخابات که تمام شود، آغاز فصل دوستی و تعامل است

ره نگاران/ امروز و این انتخاب تا ساعاتی دیگر تمام میشود و فردا خورشید با معرفی منتخب مردم همین دیار غروب میکند، آنگاه فصل دوستی و تعامل در خانه امن و پر افتخارمان آنهم با غرور و تعصب ملی آغاز میشود.

به قلم: حدیثه فلاح کریمی، فعال حوزه رسانه و اطلاع رسانی

فارغ از هر نتیجه حاصل مشارکت حداکثری مردم در جریان انتخاب رئیس جمهور فریاد بلند ایران دوستی یکایک افراديست که دشمن با هزار نیرنگ برای یاس آنان نقشه کشیده و اتاقها که چه عرض، شهرکهای فکر طراحی کرده است.

بدخواهان این روزها تلاش بسیار کردند تا به اثبات برسانند تفکرات و خط مشی جمهوری اسلامی ایران پوسیده است و مردم برای ناسازگاری قد علم کردند، اما صفوف پیر و جوان پشت درب شعبه های اخذ رای آن هم قبل از آغاز رسمی رای گیری چیز دیگری را نشان می دهد.

لبخند و شور انتخابات چیزی نیست که بتوان با سیاه نمایی آن را پنهان کرد، دستان لرزان مادر و پدر شهیدی که امروز با کمر خمیده اما شناسنامه به دست برای ادامه راه و آرمان دسته گل نثار کرده خود به انقلاب آمده اند را چگونه باید ممیزی کرد؟!

امروز نقطه غرور و افتخار، نه تعدد و نه جنسیت حاضر در پای صندوق های رای شهر و روستاها، بلکه وطن دوستی و نگرانی برای فردای سرزمین مان ایران است.

اصلاً این روزها هر خانه یک ایران است، چنانکه گاهی عقیده فرزند برای رئیس جمهور آینده شماره ۲۲ یا ۴۴ و انتخاب و مصلحت اندیشی پدر و مادر برعکس آن است؛ در نهایت چه زیباست اتحاد برای پایداری شعار **"ایران همیشه مستدام"**

امروز و این انتخاب تا ساعاتی دیگر تمام میشود و فردا خورشید با معرفی منتخب مردم همین دیار غروب میکند، آنگاه فصل دوستی و تعامل در خانه امن و پر افتخارمان آنهم با غرور و تعصب ملی آغاز میشود.

یاد مصطفی رحماندوست شاعر ترانه " خانه ما " در کتاب فارسی دوم دبستان هم سبز که میهن دوستی را از کودکی در خاطرمان نقش بست.

خوب و عزیزی

ایران زیبا

پاینده باشی

ای خانه ما

من دوست هستم

با شهرهایت

با کوه و دشتت

با نهروهایت

خورشید اسلام

یک بار دیگر

تابیده از تو

الله اکبر

در هر کجایت

خون شهیدان

پیوسته جاریست

ای خاک ایران

بر کوی و کوچه

بر دشتهایت

روئیده لاله

جانم فدایت